

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# بانو گُشپ‌نامه

تصحیح، توضیح و مقدمه

دکتر روح‌انگیز کراچی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### بانو گُشَسپ‌نامه

تصحیح، توضیح و مقدمه: دکتر روح‌انگیز کراچی  
مدیر انتشارات: یدالله رفیعی  
مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی  
مسئول فنی: ربابه ابوطالبی  
چاپ اول: ۱۳۸۲، چاپ سوم: ۱۴۰۰  
شمارگان: ۳۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: گام اول  
قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

عنوان و نام پدیدآور: بانو گُشَسپ‌نامه [کتاب] / مقدمه، تصحیح و توضیح: روح‌انگیز کراچی.  
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۶۹ ص.  
فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ردیف انتشار ۳۸-۹۳.  
شابک: 978-964-426-196-1  
وضعیت فهرست نویسی: فایا  
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Rohangiz Karachi.Banu goshaspname.  
یادداشت: چاپ دوم.  
یادداشت: چاپ قبلی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ (۲۲۳ ص).  
یادداشت: وازنامه.  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۱-۲۶۳.  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: منظومه‌های حماسی فارسی - قرن ۵ق.  
موضوع: شعر فارسی - قرن ۵ق.  
شناسه افزوده: کراچی، روح‌انگیز، ۱۳۳۳- مقدمه‌نویس، مصحح  
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رده بندی کنگره: PIR۴۶۱۶/ب۲ ۱۳۹۳  
رده بندی دیویی: ۸۱۱/۲۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۹۲۷۵۱

## فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	زمان احتمالی سرایش
۱۷	سراینده منظومه
۲۰	جایگاه بانوگشسپ در منظومه‌های حماسی
۲۶	عشق و شیوه همسرگزینی
۳۰	نام بانوگشسپ
۳۲	ویژگی‌های مشترک با حماسه ملی
۳۴	ویژگی‌های سبکی
۳۶	نکات دستوری
۴۲	موسیقی منظومه
۴۴	آرایه‌های درونی (صناعات معنوی)
۴۵	ویژگی شیوه نگارش دستنویس پاریس (نسخه اساسی)
۴۷	مشخصات نسخه‌ها
۵۰	انگیزه تصحیح
۵۱	شیوه تصحیح
۵۴	تبارنامه
۵۹	قصه بانوگشسپ‌نامه
۶۵	گفتار اندر نمودن بانوگشسپ نقش...
۶۷	گفتار اندر رفتن فرامرز و بانوگشسپ به نخچیرگاه دشت دغو
۷۱	گفتار اندر تغییر حال خود و رخس نمودن رستم و رفتن به دشت دغو از جهت گوشمال فرزندان
۷۶	گفتار اندر رسیدن رستم به دشت دغو

## ۶ بانوگشسپ نامه

۷۷	گفتار اندر سخن کردن رستم با بانوگشسپ و فرامرز
۸۳	گفتار اندر نبرد کردن رستم با فرامرز و بانوگشسپ
۸۴	رزم کردن رستم با بانوگشسپ و با فرامرز
۹۳	گفتار اندر باز نمودن راز خود فرامرز و بانوگشسپ با زال و رستم
۱۰۳	زخم زدن بانوگشسپ پدر خود را و شناختن او
۱۰۷	گفتار اندر شکار رفتن فرامرز و بانوگشسپ به اجازت رستم و ملاقات کردن شیده افراسیاب
۱۱۳	گفتار اندر مهمانی کردن فرامرز رستم پیران و یسه را
۱۱۵	سخن اندر قبول پیران و یسه و شیده
۱۱۸	عاشق شدن شیده شاهزاده توران زمین پسر افراسیاب بر بانوگشسپ
۱۲۲	گفتار اندر واهمه کردن پیران از عاشقی شیده و سپردن شیده نزد افراسیاب
۱۲۵	گفتار اندر لاف زدن تمر تاش پیش افراسیاب
۱۳۶	قصد کردن افراسیاب به جنگ و تمثیل آوردن پیران
۱۳۹	خواستن شاه هند بانوگشسپ را و نامه نوشتن
۱۴۲	گفتار اندر فکر نمودن زال و رستم به جهت بانو
۱۴۷	فتح یافتن بانو بر شاه هندوستان
۱۵۲	حمد نمودن باری تعالی [گفتگو کردن پهلوانان در پیشگاه کیکاووس از برای بانوگشسپ]
۱۵۶	گفتار اندر خواستاری کردن پهلوانان ایران بانو را و جنگ نمودن به هم
۱۶۱	گفتار اندر کس فرستادن کاووس به نزد رستم و خبر کردن او جنگ پهلوانان ایران زمین
۱۶۵	گفتار اندر نصیحت کردن رستم پهلوانان ایران را
۱۶۷	مناجات کردن رستم به درگاه باری تعالی
۱۷۹	<b>پاره‌های گردنده</b>
۱۸۵	<b>نمایه‌ها</b>
۱۸۷	واژه‌نامه
۲۵۴	نامنامه
۲۵۶	نمایه گیاهان
۲۵۷	نمایه جانوران
۲۵۸	ابزارها

فهرست ۷

۲۶۰ ..... جای‌ها و ملت‌ها

۲۶۱ ..... کتابنامه





## پیشگفتار

اگر حماسه را نمایش دلآوری‌ها، افتخارات و گاه شکستِ قهرمانان و آرزوهای دوردست انسان بدانیم، با شرح و تحلیل قصه‌های قومی- حماسی از زاویه‌های مختلف، ضمن نشان دادن ارزش‌ها و ویژگی‌های ادبی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها، پیام روایات اساطیری - حماسی، ژرفای فرهنگ کهن ایران زمین را نشان می‌دهد و پاره‌ای از هویت فراموش شده یک قوم را آشکار می‌کند.

با چنین بینشی قصه ایرانی بانو گشسپ‌نامه که منظومه‌ای حماسی است و موضوع آن روایتی از زندگی بانوگشسپ دختر رستم و نبردهای پهلوانانه اوست، بازشناسی شد تا تصویر منحصر به فرد زنی در ادبیات فارسی که با تغییر نقش جنسی همراه است شناسانده و با نگاهی به بن‌مایه این منظومه حماسی، انگیزه سرایش و ارزش‌های آن دریافته شود که این قصه برآیند کدام نیاز روانی - اجتماعی و خواسته قوم ایرانی و نتیجه چه نوع سیاستی بود که در قالب پهلوان بانویی تجلی کرد...؟

واقعیت زمانه و روحیه قهرمان‌طلبی قوم ایرانی چه انگیزه‌ای داشت که به زن، نقش پهلوانی داد، پهلوانی که نخست پادشاه جادوشده‌ای را نجات دهد، سپس شیده پسر افراسیاب، دشمن ایران زمین را در بند عشق خویش کشد و زبونی‌اش را بدو بنمایاند، و نیز ناتوانی و ضعف خواستگاران‌ش، یعنی شاهان هند و همسایگان سرزمینش را به آنها گوشزد کند و در انتها همسری را که پدرش از میان سرداران و پهلوانان بنام ایرانی برایش انتخاب کرده بود، در شب زفاف در بند کند و به تمام مردان حتی به پدرش رستم، ثابت کند که او زنی مطیع و منفعل نیست تا به جای او دیگران تصمیم بگیرند. بدین ترتیب ذوق و فکر ایرانی، این بار قدرت و اقتدار زن را در زمینه پهلوانی که معمولاً عرصه‌ای مردانه و غیرمتعارف برای زنان

## ۱۰ بانوگشسپ نامه

بود، به نمایش گذاشت.

درون مایه اصلی این حکایت‌ها، دلاوری‌های زنی پهلوان است که نموده‌های فرهنگ کهن اقوام ایرانی را به همراه دارد و احتمال می‌رود که بازمانده اسطوره‌های دگرگون شده‌ای از دوران بسیار دور اقوام ساکن در سرزمین ایران باشد که زن نقشی فروتر از مرد نداشت و به سبب دگرگونی‌های جامعه در نقش زنی پهلوان ظهور کرد. زنی که هم نماد سرکشی و هم نماد توانایی است. این قهرمان در واقع رمز دوگانگی شخصیت زن در فرهنگ ایرانی است، از سویی پهلوان زنی آزاده با کردارهای مردانه است و از دیگر سو کدبانویی مطیع نظام پدرسالاری است و در واقع برآیند آرزوهای قوم ایرانی و به طور کلی نماد زن آرمانی در فرهنگ ملی است. کهن الگو و صورت نوعی زنی است که به شکل پیکارگر متجلی شده است، زنی که در برابر توانایی و تسلط مرد مقاومت کرده و فرمانبردار محض حکم‌های مردانه نبوده است. پهلوانی هنرمند، زیبا، دختر رستم، خواهر فرامرز، همسر گیو و از همه مهم‌تر جنگجویی بی‌مانند که هم‌اوردی از جنس خود نداشت و با مردان می‌جنگید. این تصور که بُن‌مایه قصه بانوگشسپ ریشه در اساطیر کهن ایران زمین دارد، از چند جهت قابل بررسی است. اگر «حماسه را انعکاسی از دوران اساطیری» بدانیم، عناصر اساطیری در گذر از هزاره‌ها به شکلی پذیرفتنی‌تر و در قالبی دگرگون شده به حیات خود ادامه داده‌اند و در این دگردیسی «ایزدان به قهرمانان و ضد ایزدان به دیوها و غول‌های حماسه بدل شده‌اند» (بهار ۱۳۷۷: ۵۶۳) ایزدان انسان شده با شخصیتی غریب و اسطوره‌ای پا به قلمرو روایات مکتوب حماسی و قصه‌های شفاهی گذاشته‌اند و نشان‌های خاصی را حفظ کرده‌اند. احتمال دارد شخصیت بانوگشسپ نیز به دوران پرستش ایزد بانوان تعلق دارد که در هیئت بانویی پهلوان ظاهر شده است و گویی تحمل و بردباری، از ایزد بانوی زمین، سپنته ارمئیتی، زاینده‌گی و زندگی از امشاسپند مؤنث امیرتات (امرداد) و نیرومندی و محبوبیت و زیبایی از ایزد بانوی حیات، اردویسور آناهیتا (ناهید) به او رسیده است. احتمال اینکه شخصیت حماسی بانوگشسپ متعلق به دوران اساطیری باشد و او الهه توانایی و قدرت بوده که تقدس ایزدی - اساطیری خود را از دست داده و در حماسه تنها ویژگی دلاوری و جنگاوری‌اش شکل گرفته است، وجود دارد. از کهن‌ترین بُن‌مایه‌های قصه بانوگشسپ، تضاد نیروی خیر و شر است که به صورت

## پیشگفتار ۱۱

ستیز بین ایرانی و بیگانه در رویارویی بانوگشسپ با فرستادهٔ شیده پسر افراسیاب، دشمن ایران زمین تصویر شده است. دیگر، چیرگی بر شیر جادویی (سرخاب دیو) و نجات گور (پادشاه پریان) که از آرزوهای انسان‌های نخستین است و عنصر اساطیری دیگر این قصه، تغییر شکل انسان به حیوان و برعکس آن، می‌باشد که از پندارهای کهن است. به علاوه نبرد با پدر به طور ناشناس که در حماسه‌های دیگر جهان نظیر حماسهٔ هیلدبراند آلمانی، کوچولائین و کتلائوخ ایرلندی نیز آمده است. بُن‌مایهٔ دیگر این قصه، پیکار بانوگشسپ با خواستگاران و شکست دادن آنهاست که در قصهٔ گردیه در شاهنامه هم آمده است، محبوبیت بانوگشسپ و وجود روایات متفاوت از یک شخصیت در حماسه‌های مختلف چون شاهنامه، بهمن‌نامه، فرامرزنامه، جهانگیرنامه، برزنامه و شهریار نامه نیز دلیل ریشه داشتن این قصهٔ کهن و شهرت و رواج آن بوده است. اگر اصل قصه را متعلق به دورهٔ سنت‌های شفاهی کهن بدانیم، شاید یکی از اهداف سرودن بانوگشسپ‌نامه در زمان‌های بعد، مطرح کردن زنی شجاع، مستقل و خودباور است تا مظهر زن ایرانی و دارندهٔ تمام صفات دلخواسته باشد، زنی آرمانی در جامعه‌ای نامطلوب که چون امکان ظهور واقعی ندارد، در چهارچوب قصه خلق شده است.

ظاهراً بانوگشسپ‌نامه تنها حماسهٔ ایران زمین است که پهلوان بانویی، قهرمان قصه است و در وصف جنگاوری‌هایش منظومه‌ای حماسی سروده شده است. تصویر یگانهٔ بانویی خالی از رفتارهای قالبی زنانه چون نرم‌خویی، لطافت، عشق‌آفرینی و افسون‌کنندگی و تصویری بدیع که با نقش کلیشه‌ای زن در ادبیات فارسی (معشوقه، جادوگر، همسر و به ندرت مادر) تفاوت دارد.

اگرچه فرهنگ و ادبیات ایران سرشار از داستان‌های اساطیری، حماسی و قومی است، اما در هیچ یک از منظومه‌های حماسی زنی دلاور و پهلوان، قهرمان نخست و اصلی داستان نیست و نقش‌آفرینان داستان‌های حماسی، مردان پهلوان‌اند. حتی دربارهٔ پهلوانی مؤنث مانند گردآفرید (فردوسی ۱۹۶۷: ج ۲، بیت ۱۹۶-۲۷۳) که نمونهٔ شجاعت زن ایرانی بود و با بیگانه (سهراب) برای حفظ سرزمینش نبرد کرد و یا گردیه (فردوسی ۱۹۶۷: ج ۸، بیت ۱۵۴۸-۱۵۵۹) که در پهلوانی و دلاوری چنان بود که خواستگار تُرک خود و لشکر او را به فرار واداشت و حتی

## ۱۲ بانوگشسپ نامه

همسرش گسته‌م را کشت، منظومه و داستان مستقلی ساخته نشده است و یا باقی نمانده است!

پرداختن به چنین موضوعی اگرچه برخلاف انتظار، علاقه و عقاید حاکمان و متشرعان آن زمان بوده است، اما احتمال می‌رود که هدف از توصیف زنی چون بانوگشسپ، حفظ و بقای تمدن قوم ایرانی به وسیله زن و یادآوری ارزش‌های سازنده او در جامعه‌ای است که ارزش‌هایش رنگ باخته و بی‌ارزش شده‌اند؛ و نیز شاید راز و رمزی دیگر در پیدایش چنین داستانی وجود داشته است که با رویکردهای متفاوت به تفسیر و تأویل‌های دیگری می‌توان دست یافت.

اگرچه این منظومه بر بنیان حماسی و ذهنیت و اندیشه پهلوانی استوار است و در بی‌زمانی خاصی روی داده است و هیچ‌گونه نشانی از تاریخ دوره‌ای خاص را در خود ندارد، اما دوره بازآفرینی این قصه شفاهی یا منثور و نظم‌نهایی این روایت به دوران دگرگونی بنیان‌اندیشگی و آیین‌های سیاسی - اجتماعی می‌رسد که ضرورت بازآفرینی چنین روایت کهنی احساس می‌شده است و مؤید آن، تلاش شاعر در گنجاندن برخی اعتقادات مرسوم در لابلای روایت اصلی است که گاه با چهارچوب اصلی روایت تضاد دارد، مانند شراب‌خواری پهلوانان. در روایت اصلی هر جا بزمی و یا توصیفی از خوشگذرانی پهلوان داستان است همراه با شراب‌خواری است.

۱۲۴ به یک دست بگرفت جام شراب      به دست دگر ران گوران کباب  
ز می رویشان هم‌چو گلنار بود      ز مو بر گلان مشک تاتار بود

\*\*\*

۴۰۸ پس آن‌گه نشستند با ناز و نوش      برآورده جام از صراحی خروش  
و در توصیف شراب‌خواری بانوگشسپ؛

۸۴۶ که آمد خرامان به نزدیک باب      روان خورد از جام دو من شراب  
ظاهراً در دوره بازآفرینی و بازنویسی این حکایت کهن، بر طبق آیین‌های دینی، شراب‌خواری حرام بوده و به همین سبب گمان می‌رود شاعر، این ابیات را در مذمت شراب به روایت اصلی افزوده باشد.

### پیشگفتار ۱۳

۸۷۷ بیا تا ببینی که شرب شراب کند بی‌گمان خانمان‌ها خراب  
بپرهیز کاین آب آتش نهاد بسی خانمان‌ها بر آتش نهاد  
بیندیش از آشوبِ شربِ مدام که باشد خرابی سرانجام جام  
کباب و شراب ار نداری مشور که فرجام این هر دو تلخ است و شور  
مخور می که می‌خواره فرجام کار به تلخی گذارد سرانجام کار

دلیل دیگر بازآفرینی این قصه در زمانی دیگر، حضور شخصیت‌های تاریخی دوره‌ای نزدیک به زمان سرایش این منظومه است که به رغم ابهام مکانی و زمانی و شخصیت‌های حماسی که به زمان تقویمی خاصی تعلق ندارند و از ویژگی‌های حماسه‌اند، شاید بتوان تصور کرد چپپال هیتال پادشاه هند که با بانوگشسپ پیکار کرد، همان شخصیتی است که با سلطان محمود غزنوی در ۳۹۲ قمری جنگید و از سلطان محمود شکست خورد. (جرفادقانی ۱۳۴۵: ص ۲۰۹) و یا تمر تاش فرستاده افراسیاب که به جنگ بانوگشسپ رفت، همان طاش تَمُر فرمانده سپاه المعتمد خلیفه عباسی است که در زمان یعقوب لیث صفاری به جنگ محمدبن واصل حنظلی حاکم فارس مأمور شد و در رامهرمز مغلوب و کشته شد (باستانی پاریزی ۱۳۴۴: ص ۲۳۳) و یا شاید چنین موضوعی، تصور و احتمالی بیش نباشد.

از سویی نیز وابستگی قصه بانوگشسپ‌نامه به دوران پهلوانی است که ارزش انسان به جنگجویی، شجاعت و روحیه مبارزه‌جویانه بود و انسان‌هایی که از راه جنگاوری برای قوم خود افتخارآفرین بودند، قهرمان ملی خوانده می‌شدند، به عبارتی تبلور آرزوها و خواسته‌های ملت بودند و شخصیت آرمانی آنها در منظومه حماسی شکل می‌گرفت.

### زمان احتمالی سرایش

در بررسی سبک‌های ادبی گفته‌اند، سبک دستاورد زمان و مکان است، بنابراین اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بر آفرینش ادبی تأثیرگذارند. از مطالعه دقیق که مؤلف تاریخ ادبیات در ایران انجام داده و انواع و خصایص شعر فارسی هر دوره را مشخص کرده است، چنین استنباط می‌شود که مهم‌ترین دوره حماسه‌سرایی در ایران سده چهارم و نیمه اول سده پنجم قمری است که ایرانیان به استقلال سیاسی و ادبی توجه و گرایش خاص داشتند و به

## ۱۴ بانوگشسپ نامه

همین سبب و برای نشان دادن افتخارات نژادی خود سرگذشت پیشینیان را گردآوری کردند و داستان‌های شاهان و پهلوانان را نوشتند و منظومه‌های حماسی را به وجود آوردند. این نهضت ادبی که در واقع تنظیم داستان‌های حماسی و ملی بود تا دوره سلجوقیان نیز ادامه داشت. (صفا ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۶۶ و ج ۲، ص ۳۶۲-۳۶۶؛ صفا ۱۳۵۲: ص ۲۶، ۱۵۱-۱۵۴)

استاد صفا به نظم ۱۲ داستان حماسی در نیمه دوم سده پنجم و آغاز سده ششم اشاره کرده‌اند که یکی از آنها بانوگشسپ نامه است که معتقدند: «علی‌الظاهر از اواخر قرن پنجم است». (صفا ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۶۴) ژول مول هم در دیباچه شاهنامه آن را متعلق به قرن پنجم هجری دانسته است. (مول ۱۳۵۴: ص ۴۵) به استناد تحقیقاتی که درباره منظومه‌های حماسی وجود دارد و با توجه به ویژگی منظومه بانوگشسپ نامه، می‌توان این حماسه را سروده پس از سال ۵۲۰ قمری یعنی سال تألیف مجمل‌التواریخ و القصص دانست زیرا در این کتاب از منظومه بانوگشسپ نامه به عنوان مأخذ نامی برده نشده است و نیز:

۱. ویژگی حماسه‌های قرن پنجم و ششم را دارد (زبانی - محتوایی).
۲. خصوصیات اجتماعی آن دوره مناسب آفرینش این اثر ادبی بوده است.
۳. شعر ساده و روان است.
۴. دارای واژه‌های کهنه زبان فارسی است.
۵. توصیف زندگی این پهلوان بانو از نظم منطقی برخوردار است.
۶. دارای ویژگی خوارق عادت است.
۷. وصف پهلوانی‌ها و جنگ‌های پهلوانی در آن وجود دارد.
۸. عشق و عاشقی در آن به صورت زیبایی توصیف شده است.
۹. مفاخره قومی و نژادی در تقابل با ترک‌ها به طور واضح و صریحی در آن وجود دارد.
۱۰. توصیف عیش و کامرانی و شادمانی در این حماسه بیش‌تر از وصف غم و اندوه است. حال آن که در حماسه بهمن‌نامه توصیف ناراحتی و غم بیشتر است.
۱۱. اوضاع اجتماعی توصیف شده در این حماسه به سده ۵ و ۶ قمری و تسلط آیین‌های مذهبی اسلامی نمی‌ماند و آداب و رسوم، خاص دوران پیش از

## پیشگفتار ۱۵

اسلام است اما گاه تأثیر قوانین و آداب اسلامی مشهود است.

ظاهراً مأخذ بانوگشسپ‌نامه شاهنامه‌های منثور و اخبار پهلوانان پیش از دوره اسلامی در ایران بوده، و انگیزه و موقعیت مناسبی در زمان بازآفرینی منظوم آن وجود داشته است تا سراینده منظومه‌ای را خلق کند که قهرمان آن زن باشد و در زمانه رواج تعصب‌های دینی، سخت‌گیری‌های اجتماعی و آزار و اذیت زنان به بهانه دینداری، برخلاف انتظار، علاقه، تعصب و عقاید حاکمان هم‌زمان با او به ذکر پهلوانی‌های یک زن بپردازد و عظمت و قدرت نژاد ایرانی را به چنین صورتی بنمایاند و با این عمل در برابر اعراب و ترک‌ها نوعی مقاومت و گونه‌ای مبارزه کند. به هر ترتیب مقتضیات اجتماعی برای آفرینش این اثر حماسی فراهم بوده است. البته نسخه‌هایی که در دسترس است هیچ کدام تاریخ ندارد. بلوشه در معرفی نسخه پاریس نوشته است این نسخه متعلق به قرن ۱۱ قمری ناحیه غرب ایران است و هرمان آته هم در معرفی نسخه بادلیان اوزلی شماره ۲۸ گفته است به نظر می‌رسد این نسخه در قرن ۱۰ قمری رونویسی شده باشد چون شماره‌گذاری این نسخه به خط سنسکریت است و به نظر می‌رسد که به پارسی‌های هند تعلق داشته است. اما احتمال می‌رود که هردو ایران شناس به این سبب چنین اعتقادی را بیان داشته‌اند که تاریخ مجموعه‌ها حوالی سده ۱۱ تا ۱۲ قمری است زیرا:

۱. نسخه پاریس شامل سه منظومه فرامرزنامه، جهانگیرنامه و بانوگشسپ‌نامه و تنها تاریخ ذکر شده در این مجموعه در انتهای جهانگیرنامه است که کاتب آن را در ۱۱۷۳ قمری در بندر سورت هندوستان رونویسی کرده است. حال آنکه به استناد آخرین بیت کتاب جهانگیرنامه (شد این نامه آخر به ملک هرات - به توفیق جبار موت حیات) در هرات سروده شده است. این مجموعه با سه خط متفاوت نوشته شده است.
۲. نسخه بودلیان اوزلی شماره ۲۸، حاوی پنج منظومه اعتقادنامه، قصه بانوگشسپ‌نامه به نثر، رام یش، قصه بانوگشسپ به نظم و یوسف و زلیخاکه در تاریخ ۱۲۴۰ قمری با خط‌های متفاوت نوشته شده است.
۳. نسخه بودلیان اوزلی شماره ۳۰ هم شامل پنج منظومه آبان یش، بانوگشسپ‌نامه، اشعاری از دیوان جامی، مارنامه، تحفة‌الادوار، دیوان

## ۱۶ بانوگشسپ‌نامه

عاقل‌خان به تاریخ ۱۰۷۷ قمری است.

۴. نسخه بودلیان شماره ۱۲۱۳ نیز پنج منظومه‌ی سام‌نامه، کک کوهزاد، بهمن‌نامه، برزنامه و بانوگشسپ‌نامه را در بر دارد. این مجموعه بدون تاریخ است.

۵. نسخه‌ای هم در موزه بریتانیا وجود دارد که مجموعه‌ای است با هفت منظومه گرشاسب‌نامه، سام‌نامه، کک کوهزاد، بتیاره، فرامرنامه، برزنامه، بانوگشسپ‌نامه با تاریخ ۱۲۴۹ اما نسخه بانوگشسپ‌نامه آن ناقص و فقط دو صفحه است.

۶. چاپ سنگی فرامرنامه که در آغاز، قصه بانوگشسپ‌نامه را دارد و در ۱۳۲۴ قمری در بمبئی به وسیله رستم پسر بهرام بن سروش تفتی با استفاده از چهار نسخه خطی بانوگشسپ‌نامه تصحیح و منتشر شد.

باید توجه کنیم که این مجموعه‌ها سروده یک شاعر و دستنوشته یک کاتب نیست و به استناد تاریخ مجموعه‌ها نمی‌توان زمان سرایش یک منظومه حماسی را حدس زد و تنها با دقت در ویژگی‌های منظومه حماسی بانوگشسپ‌نامه از نقطه نظر زبان، محتوا، خصایص فنی شعر و موضوع قصه می‌توانیم احتمال دهیم که این منظومه در اواخر سده پنجم و یا سده ششم قمری سروده شده باشد و اگر این فرضیه را قبول کنیم که به سبب شباهت سبکی و محتوایی، فرامرنامه و بانوگشسپ‌نامه سروده یک شاعر باشد، این کتاب پیش از سال ۵۲۰ قمری یعنی سال تألیف مجمل‌التواریخ و القصص سروده شده، زیرا فرامرنامه از مآخذ این کتاب است.

حماسه خوش فرجام بانوگشسپ‌نامه از حماسه‌های کهن ایران زمین است که به نوشته مؤلف حماسه‌سرایی در ایران: «سراینده آن از مآخذ مکتوب و روایات مدون کهن استفاده کرده است (صفا ۱۳۵۲: ص ۱۰۸، ۱۰۹)» و به نوشته مؤلف از گذشته ادبی ایران «بانوگشسپ‌نامه به سلسله قصه‌های رزمی و حماسی عامیانه اواخر عهد ساسانی مربوط است» (زرین‌کوب ۱۳۷۵: ص ۷۸) ژول مول در دیباچه شاهنامه نوشته است: «در برزنامه و بهمن‌نامه روایات فراوانی راجع به بانوگشسپ آمده که در این منظومه اثری از آن نیست و بنابراین می‌توان گفت این کتاب منتخبی است از یک منظومه بزرگ‌تر» (مول ۱۳۵۴: ص ۶۳، ۶۴) مؤلف



## پیشگفتار ۱۷

تاریخ ادبیات در ایران معتقد است: «غیر از شاهنامه‌هایی که در عهد سامانی پدید آمده بود از وجود چند داستان منثور قهرمانی در آن روزگار خبر داریم که برخی مورد استفاده حماسه‌سرایان قرار گرفت و برخی متروک ماند و از میان رفت، از آن جمله داستان خاندان گرشاسب و نریمان و سام و زال و رستم و فرامرز و سهراب و برزو و شهریار و بانوگشسپ و بعضی داستان‌های متفرق در باب پهلوانان دیگر» (صفا ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۶۱۵)

مؤلف حماسه در رمز و راز ملی با تقسیم داستان‌های پهلوانی به سه بخش داستان‌های حماسی اوستایی، حماسی سکایی و حماسی اشکانی نوشته است: داستان خاندان رستم به «داستان‌های حماسی سکایی که خاندان سیستان را در بر می‌گیرد، تعلق دارد که شرح قهرمانی‌هایشان علاوه بر شاهنامه در شمار دیگری از منظومه‌های حماسی مانند جهانگیرنامه، برزونا، فرامرزنامه و... نیز بیان شده است و مجموعاً از زندگی اقوام سکایی حکایت می‌کند که بخشی از آنها در سیستان جایگزین شده بوده‌اند» (مختاری ۱۳۶۸: ص ۱۴۳). به اعتقاد مؤلف تاریخ ادبیات در ایران: «در نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم بر اثر نفوذ شدید فردوسی در ادب فارسی بعضی از شاعران به نظم کردن بازمانده داستان‌های ملی سرگرم بودند که از آن جمله گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه، فرامرزنامه، کوش‌نامه، بانوگشسپ‌نامه، برزونا، شهریارنامه، آذربرزین‌نامه، یژن‌نامه، سوسن‌نامه، کک کوهزاد و داستان شبرنگ است. (صفا ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۶۳). بنابر این تحقیقات، اصل قصه بانوگشسپ‌نامه چه به صورت منثور و چه منظوم به دوران پیش از سلجوقیان تعلق داشته که بنا به اقتضای شرایط خاص تاریخی و اجتماعی در آن زمان بازسازی شده است.

## سراینده منظومه

برای پژوهشگران ادبیات حماسی تاکنون هویت سراینده بانوگشسپ‌نامه مشخص نشده است. زیرا در هیچ یک از نسخ، نامی از سراینده و یا کاتب وجود ندارد و در مآخذی که از این منظومه یاد شده نام سراینده آن ذکر نشده است، اما ژول مول در دیباچه شاهنامه سراینده را به استناد بیتی مسلمان می‌داند (مول ۱۳۵۴: ص ۴۶)

۱۰۳۲      بگفتم من این داستان را تمام      ابر مصطفی‌آلش از ما سلام

البته بیت‌های دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر شیعی بودن سراینده دارد چون:

۸۰۶ پس از آفرین جهان آفرین درود و ثنا بر رسول امین  
همیدون درود رسول خدای بر آن شیر حق شاه خبیرگشای  
به هشت و سه فرزند آن شاه دین هزاران هزاران آفرین

و یا بیت‌هایی است که سراینده زیر نفوذ مستقیم آداب اسلامی و بنا به سنت مسلمان‌ها در نکوهش شراب و شراب‌خواری سروده است:

۸۷۷ بیا تا ببینی که شرب شراب کند بی‌گمان خانمان‌ها خراب  
بپرهیز کاین آب آتش نهاد بسی خانمان‌ها بر آتش نهاد  
ببندیش از آشوب شرب مدام که باشد خرابی سرانجام جام  
کباب و شراب ار نمداری مشور که فرجام این هردو تلخ است و شور  
مخور می که می‌خواره فرجام کار به تلخی گذارد سرانجام کار

اما نکته قابل توجه این است که در آغاز نسخه‌ای از این حماسه، بنا به رسم مسلمان‌ها «بسم‌الله الرحمن الرحیم» نوشته نشده بلکه به رسم زرتشتیان، کتاب با عبارت «به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر مهربان» آغاز شده است (بآ بودلیان). ژول مول در دیباچه شاهنامه در باره سراینده گرشاسب‌نامه و جهانگیرنامه نوشته است که همین نکته نشان می‌دهد که احتمالاً این حماسه‌ها به وسیله پارسیان هند (زرتشتیان مهاجر) سروده شده است. یا می‌توان چنین احتمال داد که بخش‌های نخست کتاب قدیمی‌تر و توسط شاعری زرتشتی سروده شده و سپس بخش‌های دیگری را شاعری مسلمان به آن افزوده است (مول ۱۳۵۴: ص ۳۸ و ۴۲). این نکته در چاپ سنگی فرامرزنامه که در ۱۳۲۵ قمری در بمبئی به چاپ رسیده، کاملاً مشخص است و تفاوت بیت‌های اصیل شاعر با بیت‌های ساختگی سراینده بعدی نیز به وضوح مشهود است. سراینده منظومه بانوگشسپ‌نامه و فرامرزنامه تاکنون شناخته نشده است ولی از آنجا که در نسخه پاریس و بریتانیا منظومه بانوگشسپ‌نامه همراه با منظومه فرامرزنامه آمده و در چاپ سنگی هم همین ترتیب رعایت شده است و گویی جزئی از منظومه فرامرزنامه است، احتمال می‌رود که ناظم این دو منظومه یک فرد باشد که به استناد ابیاتی از فرامرزنامه، شاعر از اهالی کوره اردشیر (گور، جور، فیروزآباد فارس) و مسلمان شیعه بوده است.

## پیشگفتار ۱۹

درین صبر و این کوره اردشیر  
که بر دوستان جمله فیروز باد  
همه شاد و خرم هم از باده مست  
همه با می و رود و رامشگرند  
نه یار و نه همدم نه آوای رود  
غلام دل پاک فردوسیم  
شده مونسماً دائماً دفتری  
مگر چهره خسته بدرخشم  
به چربی همین بخت شادم کند  
وزین نیک و بد نیز چندی فراغ  
زبـرجد به لؤلؤ درآمیختی  
که گرچه حسابی درین روزگار  
به خانه خداوند آن گه رهی  
کُشد یک به یک نیک و بد روزگار  
نه میوه که خیزد به شاخ بلند  
چه باید چنان پرده وی درید  
چراغ مهان سرو ماهان مرو

فرامرزنامه چاپ سنگی صفحه ۱۱۴

فرامرزنامه نسخه پاریس صفحه ۲۹

وابستگی شاعر به فیروزآباد به استناد این ابیات آشکار است، در حالی که پژوهشگری، او را بدون توجه به کلمه فرس و بیت‌های دیگر از اهالی فرس‌آباد مرو دانسته است (خالقی مطلق

۱۳۶۲، ش ۱۲۸، ص ۹۸)

این شاعر فیروزآبادی کیست و چرا این روستا بچه فرسی نامی از خود نبرده است؟ آیا فرامرزنامه و بانو گسپ‌نامه یک کتاب است و سروده یک شخص؟ این موضوع نیازمند تحقیقی گسترده است. در همین رابطه مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات درباره فرامرزنامه و

ز جور زمانه دلم گشت سیر  
چنان دان که در بوم پیروز باد  
چه مهتر، چه کهتر هر آن کس که هست  
جهان را به شادی همی بسپرنند  
منم بی می و رود و بانگ سرود  
یکی روستا بچه فرسیم  
نبینم همی لطف نیک اختری  
کجا آفتابی که تف بخشدم  
کجا کیقبادی که یادم کند  
گرم روغنی بودی اندر چراغ  
دهانم همی گوهران ریختی  
سپاس از یکی شاه پروردگار  
چه نرگس همه جام و لیکن تهی  
جهان را نماند به کس پایدار  
مرا گر نه باغست و کاخ بلند  
بدین زشتی از وی نباید برید  
کنون بازگردم به گفتار سرو

## ۲۰ بانوگشسپ‌نامه

سراینده آن «توسط اکبر نحوی به چاپ رسیده، که نوشته است: احتمال می‌رود سراینده فرامرزنامه، رفیع‌الدین مرزبان فارسی و مشهور به دبیر شاعر سده ششم هجری قمری باشد که حدود سال‌های ۵۵۵ تا ۵۷۱ ق این منظومه را سروده و به استناد بیتی از فرامرزنامه نام یا تخلص او مرزبان بوده است:

ز سالم چو شد سی و شش این زمان      ز پیری رسیده به جان مرزبان  
او دبیر و مداح محمد جهان پهلوان برادر ارسلان سلجوقی بود (نحوی، ۱۳۸۱، ش ۱۶۴، ص ۱۱۹-۱۳۶).

### جایگاه بانوگشسپ در منظومه‌های حماسی

در داستان‌های پهلوانی ایران‌زمین، این قهرمان مؤنث دارای چنان ارزشی است که منظومه‌ای مستقل در سرگذشت او سروده شده است و منظومه‌های حماسی چون شاهنامه، بهمن‌نامه، برزنامه، فرامرزنامه، شهریارنامه و... روایت‌های متفاوتی از پهلوانی‌های او نقل کرده‌اند.

بانوگشسپ‌نامه روایت جوانی تا ازدواج پهلوان بانویی است که شخصیت اصلی حماسه است و گویی در مرکز دایره‌ای است که در پیرامون آن مردانی گاه شکست‌خورده، تحقیر شده و یا خویشانی نه آن چنان توانا که اوست، در قصه حضور دارند. زنی که ویژگی زنانگی را کم دارد و پیکارگر و جنگجویی است که با مردان می‌جنگد. همراه با او ۲۵ شخصیت دیگر در ساختن این قصه سهم دارند، رستم، فرامرز، پادشاه پریان، زال، زواره، شیده، پیران، افراسیاب، تمرتاش، گرسیوز، چیبال، جیبور، شاه شاهان، کی‌کاووس، فریبرز، طوس، گودرز، گیو، بهرام، رهام، اشکش، گرگین، فرهاد، خُراد، برزین.

در شاهنامه فردوسی، نام بانوگشسپ دختر رستم و همسر گیو سه بار تکرار شده (Wolff P.112) و در شمار ۵۵ زن نام‌دار شاهنامه است (حمیدی ۱۳۸۴: ۳۲). موضوع مربوط به بانوگشسپ سه بار در بخش پادشاهی کیکاوس، داستان سیاوش آمده است. نخستین بار با عنوان «خواب دیدن گودرز سروش را» بانوگشسپ دختر رستم و همسر گیو معرفی شده است.